

شعر خوانی غیرمسئولانه اردوغان و هیاهوی انواع "پان"ها!

اعلامیه گروه کار ملی و قومی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

دوشنبه، 14. دسامبر 2020 - 22:04

گروه کار ملی -

قومی حزب چپ

ایران (فدائیان خلق)



به مناسبت آزادی مناطق
اشغالی جمهوری آذربایجان
در قره باغ که بعد جنگی
چهل روزه به دست آمد، در
باکو یک رژه نظامی ترتیب
یافت و در آن از رئیس جمهور
ترکیه بخاطر حمایت همه
جانبه‌ای که در برابر
ارمنستان از آذربایجان کرده
بود دعوت به سخنرانی شد.

آقای اردوغان طی سخنرانی خود در فضایی مملو از هیجانات ناسیونالیستی و به عنوان شریک این
پیروزی، تکه‌ای از ترانه معروف "آراز آراز" را خواند که در آن سخن از جدایی دو سوی رودخانه ارس می‌رود
و ترجیح بندش هم "لاچین" است. تداعی کننده آن جدایی در اذهان، که دویست سال پیش بر پایه قرارداد
گلستان از سوی روسیه تزاری بر ایران تحمیل و نهایتاً جنبه یک واقعیت جغرافیای سیاسی به خود گرفت.

رئیس جمهور ترکیه که به بلندپروازی‌های نئو عثمانی در شرق مدیترانه، آب‌های دریای اژه، بین النهرین و
اخیراً قفقاز شهره است، با این خود شیرینی باعث شد که موجی از نگرانی‌ها و اعتراضات با انواع
بهانه‌جویی‌ها، بزرگ نمایی‌ها و تهدیدها در گستره وسیعی از مطبوعات، رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی
ایران به راه افتد. اما در این عوغاسالاری، آنچه پوشیده می‌نماید همانا واقعیت سیاسی روز است و تمرکز
در آن هم تعمداً بر تجاوز به حریم ایران قرار می‌گیرد. این واقعیت که، دولت ترکیه با هر حد از نئو
عثمانیسم، دستکم در لحظه حاضر نه می‌خواهد و نه می‌تواند در موضع تعرض به ایران باشد. آقای
اردوغان دعوت از خود به عنوان تنها مهمان خارجی به باکو را بیشتر بدل به دستاویزی کرد تا با گرفتن
ژست پان ترکیستی، ترکیه را بازیگری تعیین کننده در سیاست منطقه قفقاز معرفی کند و از این‌طریق نیز
پان ترکیسم تحریک شده در ترکیه را بیشتر به سود پوپولیسم خود مصادره کند.

اما سخنرانی اردوغان و شعر خوانی ایشان تنها اعتراض معقول سیاسی و هشدار متین ضرور را پاسخ
نگرفت، بلکه انگیزه راه اندازی توفانی از هیاهوی ناسیونالیستی پان‌ها شد. از کیهان شریعتمداری،

روزنامه جوان، وطن امروز، تا روزنامه شرق، ایرانشهری‌ها، پان‌ایرانیست‌ها و سلطنت‌طلبان خارج از کشور ارکستر وای ایرانا راه انداختند! این هیاهو تا آنجا پیش رفت که قلم به دست شناخته شده‌ای در جمهوری اسلامی نوشت حالا که اردوغان سودای امپراتوری عثمانی در شرایط امروز را دارد جمهوری اسلامی نیز باید امپراتوری صفویه را بازآفرینی کند! چنان گرد و خاکی راه افتاده که گویا حمله خارجی به کشور صورت گرفته است. در همین فضای ایجاد شده، وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز فرصت را مغتنم شمرد تا در همراهی با این موج، سیاست‌های از یکسو منفعلانه و از سوی دیگر غیر مسئولانه و ضد ملی نظام در رشته تحولاتی از منطقه را در لباس "عرو ملی" به جریان ببرد. موج هیاهویی که طرف دیگری هم البته داشت و آن هیجان‌های ترک‌گراهای درون‌مرز و برون‌مرز کشور نسبت به این سخنرانی بود. فعل و انفعالات بر متن این رخداد، بار دیگر چرخه شناخته شده تقویت متقابل افراط‌های ناسیونالیستی را به نمایش گذاشت.

حال آنکه برخورد غیر مسئولانه رئیس‌جمهور ترکیه در پی تماس تلفنی بین وزرای خارجی دو کشور با رفع و رجوع‌هایی رفع شد و وضعیت به نقطه اول برگشت. معلوم شد که جدا از نیات ولو درخور اعتراض هر حکومت و هر جریان، سیاست سنجش‌پذیر در آنجایی محک می‌خورد که پا بر زمین می‌نهد. از جمله در طرحی که دولت ترکیه با پیش کشیدن آن تشکیل بلوکی جهت همکاری از ایران، روسیه، ترکیه، آذربایجان، گرجستان و ارمنستان را پیشنهاد داده است. نیاز مبرمی که برای برقراری امنیت جمعی و دوستی در مناسبات سازنده منطقه‌ای قویاً حس می‌شود. غیظ ناسیونالیستی در هر شکل آن چه با دامن زدن و چه بهره‌برداری از آن، در مغایرت با دوستی و تنش زدایی و صلح قرار دارد و در هر نوع خود محکوم است.

گروه کار ملی و قومی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)، ضمن ابراز مخالفت خود با هر نوع ناسیونالیسم افراطی و توهمات توسعه‌طلبانه و کشور گشایانه، بر درک فراتر بودن مرزهای فرهنگی کشورهای منطقه از مرزهای سیاسی موجد تاکید دارد. این امکانات و مشترکات فرهنگی، زبانی و تاریخی را می‌توان بر مبنای احترام به رسمیت مرزها به فرصت‌هایی برای دوستی، همکاری و حسن همجواری تبدیل کرد. لازم است از دل این همکاری‌ها، سازه‌هایی چندگانه را سازمان داد و آنها را تا آنجایی توسعه بخشید که مرزهای سیاسی در زندگی جاری فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ملت‌های منطقه صرفاً به یک قرارداد فروبکاهند. این، صرفاً یک رویای زیبای انسانی نیست، بلکه در راستای جهان جهانی شده است که با روحیه احترام متقابل و ابتکارات سازنده می‌توان و باید به آن دست یافت.

گروه کار ملی و قومی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)